

هرمز بسته، خط لوله عربستان هم هدف حمله

نفت خلیج فارس از کجا صادر می‌شود؟

حمله به خط لوله شرق به غرب عربستان بار دیگر آسیب‌پذیری مسیرهای جایگزین تنگه هرمز را آشکار کرد؛ اما مجموعه پروژه‌های نفتی، ریلی و ترانزیتی منطقه نشان می‌دهد کشورهای خلیج فارس به دنبال یک مسیر واحد برای دور زدن هرمز نیستند و در حال ساخت شبکه‌ای چندلایه برای کاهش وابستگی به این گلوگاه انرژی هستند.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: حمله به یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال نفت عربستان سعودی، بار دیگر این پرسش را مطرح کرده است که آیا مسیرهای جایگزین تنگه هرمز واقعاً می‌توانند در زمان بحران، صادرات انرژی منطقه را حفظ کنند؟ روز جمعه ۲۰ شهریورماه، گزارش‌هایی درباره حمله پهلپادی به ایستگاه‌های پمپاژ خط لوله شرق به غرب عربستان منتشر شد. وزارت امور خارجه عربستان اعلام کرد مناطقی در ریاض و مدینه هدف حمله قرار گرفته‌اند و این حملات خساراتی به همراه داشته است. وزارت انرژی عربستان نیز اعلام کرد خط لوله شرق به غرب که تحت مدیریت شرکت آرامکو قرار دارد، به‌عنوان اقدامی احتیاطی به‌طور موقت متوقف شده است. رویترز روز شنبه ۲۱ شهریور گزارش داد که بغداد و ریاض منشأ حمله را خاک عراق اعلام کرده‌اند؛ با این حال درباره عامل و منشأ دقیق حمله همچنان گزارش‌های متفاوتی منتشر شده است. اهمیت این اتفاق اما فراتر از یک حمله به زیرساخت نفتی عربستان است؛ چراکه خط لوله شرق به غرب یکی از مهم‌ترین مسیرهایی است که برای کاهش وابستگی صادرات نفت این کشور به تنگه هرمز ایجاد شده است.

خط لوله‌ای که برای فرار از هرمز ساخته شد

خط لوله شرق به غرب عربستان که به «پترولاین» نیز شهرت دارد، میدان‌های نفتی شرق این کشور را به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ متصل می‌کند. این خط لوله در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در شرایطی ساخته شد که ناامنی در خلیج فارس و حملات به نفتکش‌ها، امنیت صادرات نفت منطقه را با تهدید مواجه کرده بود. هدف اصلی، ایجاد مسیری زمینی برای انتقال نفت از شرق عربستان به غرب و کاهش نیاز به عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز بود. پترولاین حدود هزار و ۲۰۰ کیلومتر طول دارد و نفت خام تولیدشده در مناطق مهمی مانند بقیق را از طریق مجموعه‌ای از ایستگاه‌های پمپاژ به ینبع منتقل می‌کند. ظرفیت اولیه این خط لوله حدود پنج میلیون بشکه در روز بود، اما عربستان در سال‌های اخیر ظرفیت عملیاتی آن را افزایش داده و آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای خود برای مدیریت ریسک صادرات نفت تبدیل کرده است. اهمیت این مسیر پس از تشدید درگیری‌های نظامی در منطقه و کاهش تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز بیشتر شد. با محدود شدن عبور نفت از هرمز، انتقال نفت عربستان به ینبع و سپس صادرات از مسیر دریای سرخ، اهمیت بیشتری پیدا کرد. اما همین مسیر جایگزین نیز از ریسک‌های ژئوپلیتیک مصون نیست.

از هرمز تا باب‌المندب؛ مسیرهای جایگزین هم امن نیستند

خط لوله شرق به غرب عربستان، اگرچه وابستگی این کشور به تنگه هرمز را کاهش می‌دهد، اما برای رسیدن نفت به بازارهای جهانی همچنان به مسیر دریای سرخ وابسته است. این موضوع، ریسک دیگری را وارد معادله می‌کند: تنگه باب‌المندب. افزایش تنش‌ها در دریای سرخ و درگیری‌های یمن طی سال‌های اخیر نشان داده است که انتقال انرژی از این مسیر نیز می‌تواند با اختلال مواجه شود. در چنین شرایطی، توقف موقت پترولاین نشان می‌دهد که جایگزین کردن یک گلوگاه با یک مسیر واحد دیگر، الزاماً به معنای حل مشکل امنیت انرژی نیست. در واقع، اگر تنگه هرمز یک نقطه آسیب‌پذیر برای صادرات نفت خلیج فارس باشد، مسیرهای جایگزین نیز خود در معرض تهدیدهای امنیتی و نظامی قرار دارند. همین مسئله کشورهای منطقه را به سمت یک راهبرد گسترده‌تر سوق داده است: ایجاد چندین مسیر موازی برای انتقال انرژی و کالا. آیا کشورهای خلیج فارس فقط روی خط لوله عربستان حساب کرده‌اند؟ پاسخ منفی است.

کشورهای منطقه طی سال‌های گذشته مجموعه‌ای از پروژه‌های نفتی، ریلی، جاده‌ای و بندری را دنبال کرده‌اند که هدف مشترک آنها کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی تحت ریسک، به‌ویژه تنگه هرمز، است. یکی از مهم‌ترین این طرح‌ها، جاده توسعه عراق است؛ پروژه‌ای که بندر فاو را به ترکیه متصل می‌کند و می‌تواند در صورت تکمیل، یک مسیر زمینی جدید برای انتقال کالا میان خلیج فارس و اروپا ایجاد کند. همزمان طرح‌هایی برای احیای مسیرهای ریلی تاریخی منطقه، از جمله راه‌آهن حجاز، مطرح شده که می‌تواند اتصال عربستان، اردن و ترکیه را تقویت کند. در سطحی گسترده‌تر، طرح موسوم به «چهار دریا» نیز با هدف ایجاد شبکه‌ای از مسیرهای ترانزیتی میان خلیج فارس، دریای خزر، مدیترانه و دریای سرخ دنبال شده است؛ مسیری که در صورت تحقق می‌تواند نقش سوریه و ترکیه را در تجارت منطقه‌ای افزایش دهد.

خط لوله‌های جایگزین؛ از امارات تا عراق

در حوزه انرژی نیز گزینه‌های متعددی در اختیار کشورهای منطقه قرار دارد. امارات متحده عربی با خط لوله حبشان-فجیره می‌تواند نفت را از میادین داخلی خود به بندر فجیره در دریای عمان منتقل کند؛ مسیری که امکان صادرات نفت بدون عبور از تنگه هرمز را فراهم می‌کند. عراق نیز به دنبال توسعه مسیرهایی است که صادرات نفت این کشور را از وابستگی به پایانه‌های جنوبی و تنگه هرمز دور کند. خط لوله کرکوک-جیهان و طرح اتصال بصره به عقبه اردن از جمله گزینه‌هایی هستند که می‌توانند بخشی از نفت عراق را به سمت مدیترانه یا دریای سرخ هدایت کنند. اما یکی از بلندپروازانه‌ترین ایده‌ها، ایجاد خطوط لوله دوقلو با ظرفیت انتقال بسیار بالا و اتصال عراق به بنادر عمان است. این پروژه در صورت تحقق می‌تواند امکان انتقال حجم قابل‌توجهی از نفت را بدون عبور از تنگه هرمز و حتی باب‌المندب فراهم کند.

حمله به پترولاین؛ شکست یک مسیر یا هشدار برای یک استراتژی؟

حمله اخیر به خط لوله شرق به غرب عربستان را نمی‌توان صرفاً به معنای شکست پروژه‌های دور زدن تنگه هرمز تفسیر کرد. این اتفاق بیشتر یک هشدار درباره محدودیت‌های چنین پروژه‌هایی است. کشورهای منطقه می‌توانند مسیر صادرات نفت را از یک تنگه به خط لوله، از خط لوله به بندر و از مسیر دریایی به شبکه ریلی و جاده‌ای منتقل کنند؛ اما هیچ‌کدام از این مسیرها به‌تنهایی مصون از ریسک‌های ژئوپلیتیک نیستند. به همین دلیل، استراتژی کشورهای حاشیه خلیج فارس بیش از آنکه بر پیدا کردن «یک جایگزین برای هرمز» متمرکز باشد، به سمت ایجاد شبکه‌ای از جایگزین‌ها حرکت کرده است. از پترولاین عربستان و خط لوله حبشان-فجیره امارات گرفته تا جاده توسعه عراق، مسیرهای ریلی منطقه و طرح‌های انتقال نفت به بنادر دریای عمان، همه بخشی از یک روند بزرگ‌تر هستند: کاهش قدرت یک گلوگاه واحد بر امنیت انرژی منطقه.

بنابراین، حمله به خط لوله عربستان احتمالاً پروژه دور زدن تنگه هرمز را متوقف نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند برعکس، انگیزه کشورهای منطقه برای توسعه مسیرهای بیشتر و پراکنده‌تر را افزایش دهد. مساله اصلی دیگر فقط عبور نکردن از هرمز نیست؛ کشورهای صادرکننده نفت منطقه به دنبال آن هستند که در صورت بسته شدن هر یک از مسیرها، مسیر دیگری برای رساندن انرژی به بازار جهانی در اختیار داشته باشند.